

# عسر و حزن طلاق

از: دکتر مهدی کی‌نیا - استاد دانشگاه

## قسمت دوم

### ۱۱ - رسیدن به ثروت ناگهانی

این امر در اشخاص کم ظرفیت اثری شگرف دارد. هستند افرادی که به محض رسیدن به ثروت فوراً تغییری عمیق، در جهات منفی، درخلق و خوی آنان پدید

میآید. به جای آنکه متواضع و مهربانتر گردند تند خو و کج سلیقه و خسیس و سختگیر بار میآیند و دیگر خانواده خود را دلبدیزر نمی‌شناسند دچار جنون ثروت میگردند، جزیه ثروت و ازدیاد آن به چیز دیگری نمی‌اندیشند و ای بسا که در چنین مواردی از ارتکاب جرائمی که مولد ثروت سرشار باشد چون جعل و قاچاق و جرائم مالی نهراسند و شعله شوق به خانواده در دوران آنان به خاموشی گراید. این است سر «ان‌الانسان لیطغی - ان راه استغنی» (قرآن مجید - سوره علق - آیات ۷ و ۸) آدمی که ناگهان به ثروت رسد دست به طغیان زند. تنعم و ثروت بیش از فقر جرم‌زاست.

### ۱۲ - فقر و بیکاری

بیکاری مادر تمام عیوب است. برای تهیستان و ثروتمندان هر دو مضر است. در مورد دسته اول، فقر و بی‌چیزی و بی‌نواهی را در بردارد و در مورد دسته دوم نیز خطر کم نیست زیرا ممکنست مردانی در اثر ثروت فوق‌العاده یا داشتن مردرآمد ثابت نیازی به کار نداشته باشند در نتیجه به خانه‌نشینی روآورند و عمری را به بطالت بگذرانند اینگونه مردان بدخو و بهانه‌جو خواهند شد با مداخله بیجا و ایرادگیرهای ناروا و سخنان گوشه‌دار و کنایه‌آمیز زندگی را بر هم‌سرشان تلخ و غیر قابل تحمل گردانند. به اینگونه مردان توصیه میشود که اوقات فراغت خود را با گزل کاری و گل‌آرایی باغچه منزل و پرورش ذوق هنری؛ پرداختن به نقاشی و آموختن موسیقی و مطالعه آثار ادبی، مشارکت در امور تعاون و معاضدت اجتماعی پرنمایند.

## ۱۳ - پر کاری یا اشتغال

### فوق العاده به کار

مردان و زنانیکه در کار و فعالیت اقتصادی خویش غرق شده‌اند و جهانرا از دریچه درآمد می‌نگرند و خانواده خود را به دست فراموشی می‌سپارند و از ایفای تکالیفی که در این زمینه برعهده دارند غفلت می‌ورزند با دست خویش موجب تزلزل خانواده و نابه‌سامانی آنرا فراهم می‌سازند کاریکه صرفاً غایت آن به دست آوردن ثروت و مال اندوزی باشد فاقد ارزش است . کاری دارای ارزش است که هدف آن فداکاری ، رشد شخصیت و اعتلای

استعدادهای عالی انسانی ، خلاصیت ، سازندگی ، خوشبختی خود و دیگران باشد . غرقه شدن در کار و فراموش کردن خانواده مشکل است که در بسیاری از طبقات وجود دارد : کسانیکه در سطوح بالا دارای مشاغل متعددی در کنفرانسها و کمیسیونها و اورپها و مشاوره‌ها باید شرکت کنند چه وقت میتوانند به کانون خانوادگی خود رونقسی بخشند ؟ شوق همدمی چگونه ارضاء میشود ؟ آیا با خستگی و فرسودگی و یا عصبانیت ناشی از سنگینی کار میتوان همسری با ذوق و متعادل و بردبار بود ، کسانی هم که در طبقات پائین و یا کارگری زندگی میکنند و طبع حرفه آنان ایجاب میکند که نه فقط ساعتها بلکه روزهایی چند از کانون خانواده



دوریمانند به چنین مصیبتی دچار هستند از آنجمله‌اند رانندگان اتوبوسها و قطارها و کارگران حمل و نقل دریائی .

## ۱۴ - محکومیت های دراز مدت

برطبق بند ۱ ماده ۱۱ قانون حمایت خانواده «در صورتیکه زن یا شوهر به حکم قطعی به مجازات پنجسال حبس یا بیشتر یا به جریمه که برائش عجز از پرداخت منجر به پنجسال حبس شود و یا به حبس و جریمه‌ای که مجموعاً به پنجسال حبس یا بیشتر شود محکوم گردد و حکم حبس یا جریمه در حال اجرا باشد .» شوهر یا زن میتواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش کند . این حکم ظاهراً دور از عدالت و موجبی برای ازهم پاشیدگی خانواده به نظر میرسد . ولی نباید از نظر دور داشت که کسیکه به حبسی بیش از پنجسال محکوم میشود در نظر تهیه کنندگان قانون مرتکب جرم سنگینی شده و شایستگی عضویت خانواده یا سرپرستی از آنرا از دست داده است . ترک خانواده و یا ارتکاب جرمی که مغایر هیئت خانوادگی و شوون طرف دیگر باشد برطبق بندهای ۴ و ۵ ماده ۱۱ قانون فوق‌الذکر زن یا شوهر میتواند از دادگاه تقاضای صدور گواهی عدم امکان سازش کند . (هرچند در این گفتار ، جنبه‌های حقوقی موضوع مورد توجه نگارنده نیست ولی این سؤال برای من مطرح است که ضابطه علمی تعیین «پنجسال حبس» برای تهیه کنندگان قانون حمایت خانواده چه بوده است ؟ چرا این مدت را مثلاً دوپایه سال تعیین نکرده‌اند . براساس کدام تحقیق

علمی این مدت برای عدم شایستگی زندگی خانوادگی تعیین شده است ؟ اگر زنی استقلال اقتصادی نداشته باشد و شوهر نان‌آور او سه سال باید در زندان بماند در این مدت ترتیب اداره زندگی او چه خواهد شد ؟ نیازهای او چگونه برآورده میشود ؟ جامعه که شوهرش را از او گرفته چگونه از او حمایت خواهد کرد ؟ اصل شخصی بودن کیفر چگونه تضمین میشود ؟ زندان به زندانی چه خواهد داد ؟ از او چگونه شخصیتی پدید خواهد آورد ؟

## ۱۵ - اختلافات و تعارضها

اساس زناشویی و دوام آن بر اصل تفاهم کامل بین زن و شوهر یا اعضای اصلی کانون خانوادگی استوار است . بنابراین هرآنچه معارض این تفاهم باشد متناسب با شدت تعارض میتواند فضای عاطفی کانون خانواده را از روشنائی و صمیمیت و فداکاری به تیرگی و نفاق سبدل سازد . این عوامل عبارتند از :

**الف - اختلاف ملیت -** هرچند که از نظر علمی این مسأله دقیقاً بررسی نشده است و آماری در دست نیست که دوام و بقای روابط زناشویی را بین سردان و زنان از ملیت‌های مختلف نشان دهد اما از طریق ذهنی باور کردنی است که اختلاف ملیت اگر تعارض فرهنگی را به همراه داشته باشد و زناشویی بین زوجهایی از دو ملت صورت گیرد که کینه‌ها و نفاق و دشمنی و جنگهای خونین ، سالیان متمادی بر روابط آنان حکومت میکرد و یکی غالب و دیگری مغلوب بوده باشد موجب سستی دوام و بقای

پیوند زناشویی است .

و مهاجرت درجای خود بحثی ششروخ خواهیم داشت، ولی از رهگذر کانون خانوادگی این نکته مطرح است که زن شهری با مردی روستائی و یا به عکس مرد شهری با دختر روستائی تاچه حد برای پیوند زناشویی قابلیت انطباق و سازگاری خواهند داشت و دوام زندگی مشترک آنان تاچه پایه است؟

این نکته مسلم است که دختر روستائی که در دامن پر لطف و صفای طبیعت و در محیط خالی از تصنع و ریا ، در محیطی باز و آزاد زندگی کرده است چگونه محیط بیگانه و پراورزی و تزویر و خفقان آور و پریاهوی شهری را تحمل میکند یا دختر شهری که به زرق و برق شهر و جنجالها و نوخواهی و مدپرستی آن خو گرفته است چگونه محیط ساده و آرام و سنت گرای روستا را پذیرا خواهد شد و از سطح توقعات خود خواهد کاست و تن به کشاورزی و دامداری یا دامپروری خواهد داد ؟

در تحت همین عنوان است که اختلاف تربیتی یا نداشتن تربیت صحیح خانوادگی و اجتماعی و آشنانیدن به مبای آداب و عدم توجه به واقعیات زندگی و مقنون رویای خیال انگیز بودن هریک از زوجین را نیز موجب زوال پیوند زناشویی نامتناسب میشماریم .

## ۱۶ - بدآموزیهای وسائل

### ارتباط جمعی

سخن درباره رسانه های گروهی یا وسایل انتقال افکار یا سطوعات به معنای اخص : روزنامه ، مجله ، کتاب - و به معنای اعم : سینما ، رادیو ، تلویزیون از دیدگاههای گوناگون علمی ، فنی ، هنری ، ادبی ،

ب - اختلاف دین و مذهب - اسلام به زنان مسلمان اجازه نمیدهد که با غیر مسلمان زناشویی کنند زیرا هیچ نامسلمانی همشان یک زن مسلمان نیست و اگر مردان مسلمان میتوانند با زنان موحد و اهل کتاب زناشویی کنند به این امید است که آنانرا به اسلام رهبری کنند و وحدت نظری در جهان پدید آورند .

آنانکه اختلاف مذهب را در پیوند زناشویی مؤثر نمیانسانند از این نکته غافل مانده اند که مشاهدات آنان در روابط زوجیهائی است که به صورت ظاهر دارای ادیان متفاوتند ولی در باطن هیچیک از زوجین به مبانی مذهبی اعتقاد ندارند و در زندگی آنان مذهب ارج و قربی ندارد .

ج - اختلاف نژاد موجبی برای تزلزل روابط خانوادگی نیست . اسلام با تعصب نژادی میانهای ندارد ساحت مقدسش از تبعیض نژادی منزّه است زناشویی بین سفید و سیاه را تشویق کرد . امام هفتم شیعیان از سادری سیاه پوست زاده شد . اختلاف رنگ پوست نمیتواند در روابط زناشویی مؤثر باشد .

د - تضادهای سیاسی وایدئولوژی - از هر تضادی برای پیوند زناشویی خطرناکتر است . در کانون خانوادگی که تضادهای سیاسی و گرایش به نظرهای مختلف حکومت داشته باشد چنین کانونی صحنه جدال و مناقشات حاد زوجین خواهد بود . هریک خود را بر حق و دیگری را بر باطل میشمارد . در چنین کانونی از جذب و انجذاب بین زوجین اثری نیست .

ه - تعارض فرهنگی - از فرهنگ و گونه های مادی و معنوی آن و فرهنگ گرائی خرده فرهنگ و اثر جرمزائی تعارض فرهنگی



اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی ، جرم‌شناسی ،  
تربیتی ، تاریخی و غیره فراوان است .

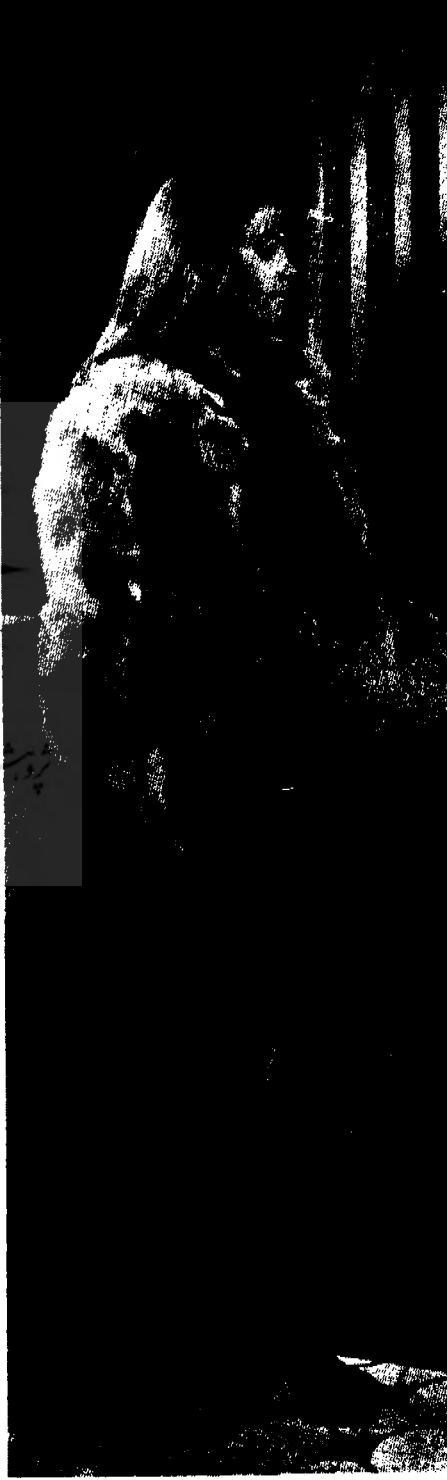
این وسایل ممکنست در تہذیب اخلاق  
و پرورش سجایای نیک و اعتلای سطح دانش  
و ایجاد سلیقہ نو و ایمان پاک و خالص ،  
بسیار مؤثر و قوی باشند و به عکس امکان  
دارد از عوامل انحراف و بدآسوزی ها و نفاق  
و دو روئی و جدال و جنایات باشند . به  
ہر حال هدف تلاش مطبوعات ، اعم از  
مطلوب یا نامطلوب ، زشت یا زیبا ، انسانی  
یا شیطنانی ، نفوذ یافتن در دیگران و تسلط  
بر افکار و احساسات آن به منظور نیل به  
مقاصد خاصی است .

دانشمندی فاضل و متخصص در تعلیم  
و تربیت یاسن از «رستم» زمانہ سخن میگفت .  
رستم پهلوانی بی ہمتا و رزم آوری یگانه بود  
اسروژہ در دنیا باز ہم همان «رستم» یعنی  
«روزنامہ» و «سینما» و «تلویزیون» و  
«مطبوعات» گرد ہم آمدند و از حرف اول  
نام خود قدرتی به نام «رستم» پدید آوردند  
کہ بر جہان فرمانروائی دارد . این مجموعہ  
اگر بہ سود قوای یزدانی و خیرتجهیز شوند  
جہان روی صلح و سعادت خواهد دید و اگر  
بہ سود نیروی اهریمنی و شررتجهیز شوند جہان  
در گرداب جنگ و شقاوت و بدبختی و جنایت  
خواہد افتاد .

در میان مطبوعات ، فیلم خواه از طریق  
سینما و یا از طریق تلویزیون باشد مقاسی  
ویژہ دارد . فیلم سینمایی کتاب گوئی اجتماع  
و کانون تصادم افکار و امیال ، آئینہ اعمال  
و رفتار زشت و زیبا ، جلوہ گاہ گفتار و پندار  
کردار نیک و نکوہیدہ ، سرمشق زندہ تقلید ،  
منشاء نیروی عظیم تلقین ، و سرانجام مظهر  
انتقاد و اعتبار و اعتماد و انحراف است .  
سینما برای مردم ، جہانی رؤیائی و شیرین

میسازد . برای یک دسته از بزرگسالان مکمل اطلاعات و وسیله سهل انتقال ادراکات یاتازه‌های علمی و برای دسته دیگر وسیله انتقال عواطف یا حالات ذوقی و هنری و برای هردو دسته موجب سرگرمی است برای کودکان مؤثرترین وسیله تقلید و تلقین به شمار است : رنگ‌آمیزیها ، حرکات منظم و جالب تصاویر توأم با هنر و آهنگهای دلنشین موسیقی ، تجسم معایب و محاسن نقشی شگفت از آنچه نمایش داده میشود بر صفحه حساس و بدون رنگ روح نونهالان باقی میگذارد . هرگاه عقیده داشته باشیم که در دل مردم برای اصلاح آنها ، برای بالا بردن سطح اطلاعات آنها ، به هر حیل و رهی باید کرد سینمای خوب بدون هیچ تردید یکی از مؤثرترین راههاست .

سینما مرزهای سیاسی بین کشورها را برای تماشاچی از میان برداشته و او را بدون گذرنامه و تشریفات روادید ، در قلب تمام تمدنهای جهان جامیهد و آشنائی بین ملل و برخورد و عقاید و افکار و شیوه‌های زندگی و فرهنگهای مختلف را با هزینه بسیار ناچیز درمستی بسیار کوتاه فراهم میکند . سینما وسیله‌ای برای بالا بردن سلیقه و ایجاد تنوع در زندگی از راه تقلید و به کار بردن ابتکار است . سینما آموزشگاهی است که در آن مدرسه ندیده‌ها و بیسوادان نیز درس زندگی میگیرند و به عکس مکتبی نیز تواند بود که حتی تحصیل کرده‌ها را به شقاوت و تبهکاری کشاند . سینما از راز طبیعت و شگفتیهای جهان آفرینش پرده بر میدارد و انسانرا از چنگال خرافه پرستی میرهاند . سینما را در ژرفای دریاها با ماهیهای عجیب و غریب ، در اعماق جنگلها با حیوانات وحشی و عجیب الخلقه ، بر فراز بلندترین قلعه



پژوهشگاه علوم انسانی  
رتال جامع علوم